

سوم- اطلاعات رسمی در سیستم افریقائی

- ۱- برابر ماده ۱۲۲. ق. ۱. د. ک. گابن و افریقای مرکزی و ماده ۲۸ کنگو ماده ۳۹ نیجریه و ماده ۵۰ ساحل عاج و ماده ۳۵ موریتانی و ماده ۱۶ ق. ۱. د. ک. ماداگاسکار صاحب منصبان و مأمورین دولتی مکلفند اطلاعاتی را که در جین انجام وظایف خود در مورد وقوع بزهی پیدا کرده اند به دادستان بدهند (۱).
- ۲- مطابق مواد ۳۰ قانون تحقیقات جنائی و ۱۶۱ ق. ۱. د. ک. ماداگاسکار هر کس که شاهد وقوع جنایت یا جنحه بر ضد امنیت عمومی مملکت یا حیات یا مالکیت دیگری باشد مکلف است مراتب را بمقامات صلاحیت دار اطلاع دهد (۲)

- 1- Enquête de Police Pub. Service Cooperation International De La Police Nationale, Paris 1964 P. 3.
- 2- IBD.

از: دکتر فیروز شهیدی

تعلیق مراقبتی مجازات

« مقدمه »

۱- **تغییر نظر** - وارد شدن نظام تعلیق مجازات در قوانین را باید نتیجه تأثیر مطالعات جرم شناسی در حقوق جزا دانست.

امروزه غالب حقوقدانان چنین عقیده دارند که هدف مجازات، قبل از هر چیز، آنست که اجتماع را در مقابل ارتکاب مجلد جرم از طرف مجرم، مصون بدارد و برای رسیدن باین هدف باید مجرم را اصلاح کرد یا بعبارت دیگر دوباره «اجتماعی نمود» علمای حقوق جزا باین مطلب توجه نموده اند که اگر چه سلب آزادی مجرم یک تنبیه لازم بنشار می رود لیکن برای تربیت و اصلاح او کافی نیست بعلاوه مضار مجازاتهای کوتاه مدت زندان در اکثر موارد آشکار شده است.

مجازات کوتاه مدت زندان معمولاً نمی تواند تأثیری مثبت از نظر تربیت و تغییر اخلاق مجرم داشته باشد. گذشته از این، این نوع مجازات غالباً باعث اثرات

منفی و نامناسب میشود باین ترتیب که اخلاق محکوم در تماس با سایر زندانیان بیشتر فاسد میشود و اقامت او در زندان، هر چند کوتاه باشد، باعث میشود که شغل و عمر معاش خود را از دست بدهد و در نتیجه خانواده او در مضیقه و عسرت بیفتند.

توجه باین مسائل باعث شده است که متخصصین رژیم را پیشنهاد کنند که بنام تعلیق مجازات نامیده شده است.

تعلیق مجازات بر دو گونه است: ۱- تعلیق ساده ۲- تعلیق مراقبتی

۱- در تعلیق ساده محکوم بدون هیچ قید و شرطی از اجرای مجازات در مدت معین معاف میگردد و چنانچه این دوره را بدون ارتکاب جرم جدید پایان برساند بطور قطع از اجرای مجازات معاف میگردد و گرنه حکم مجازات صادره درباره او اجرا میشود.

۲- در تعلیق مراقبتی مجازات، محکوم بدون قید و شرط از اجرای مجازات معاف نمیشود بلکه در دوران تعلیق بر عایت الزامات و قیودی ملزم میگردد و در ضمن از کمکیهای مناسب بهره مندمیگردد. اگر محکوم در دوران تعلیق مرتکب جرم جدید نشود یا از اجرای وظائف خود تخلفی ننماید بطور قطع از اجرای مجازات معاف میشود و گرنه حکم مجازات درباره او اجرا خواهد گردید.

موضوع بحث ما در یادداشتهای حاضر تعلیق مراقبتی مجازات خواهد بود.

سابقه تاریخی و حقوقی مقایسه.

الف- تعلیق مجازات يك تأسيس حقوق قديمی انگلیسی است.

تعلیق مجازات در انگلیس باین ترتیب بود که شخصی که تحت این رژیم قرار میگرفت در مقابل دادگاه تعهد میکرد که عمل معینی را انجام دهد یا از انجام عمل بخصوصی خودداری کند و در غیر این صورت پیرداخت مبلغی که قبلاً از طرف دادگاه تعیین شده بود ملزم میگردد.

در قرن سیزدهم این تأسیس بیشتر در مورد مسائل حقوقی اعمال میشد ولی بتدریج اجرای این رژیم در مسائل حقوقی منسوخ گردید بطوریکه در حقوق جدید اثری از آن

دیده نمیشود. بر عکس در حقوق جزا ادامه پیدا نمود و تکمیل گردید.

با تمام این اوصاف در این زمان هنوز تعلیق مراقبتی مجازات بمعنای واقعی وجود نداشت زیرا هنوز رکن اصلی آن که مراقبت و تعلیم مجرم باشد بوجود نیامده بود و فقط از اوایل قرن نوزدهم بود که در انگلیس و ایالات متحده امریکا محکومین در طی مدت معینی تحت مراقبت قرار داده شدند و این مراقبت در آن زمان از طرف اشخاص نیکوکار بعمل میآمد. بعضی از قضات از سال ۱۸۲۰ لیستی از اشخاص مورد اطمینان که مراقبت از محکوم را میتوانستند بآنها واگذار نمایند تهیه کردند.

در ایالات متحده امریکا در حدود سال ۱۸۴۱ مواردی از تعلیق مراقبتی مجازات دیده شد. یکی از اهالی شهر بوستون بنام جان اگوستوس که به شغل کفاشی اشتغال داشت و باید او را بنیال گذار تعلیق مراقبتی مجازات دانست از قضات شهر خود خواست که باو اجازه داده شود که قبل از صدور حکم در مورد بعضی از متهمین سعی در اصلاح آنها بنماید.

اگوستوس در این آزمایش موفق شد و بر اثر شوکهای اوتعداد ۱۱۵۲ مرد و ۷۹۴ زن از مجازات زندان رهایی یافتند.

در امریکا در سال ۱۸۷۸ اولین قانونی که صریحاً تعلیق مراقبتی مجازات را پیش بینی نمود وضع گردید و بنام « قانون تعلیق مجازات ماساچوست ». نامیده شد.

در سال ۱۹۰۷ نیز در انگلستان قانونی در این خصوص تصویب گردید.

ب- مشخصات تعلیق مراقبتی مجازات در حقوق امریکا و انگلیس:

در حقوق امریکا و انگلیس تعلیق مراقبتی مجازات مستقل از محکومیت کیفری است، باین ترتیب که قاضی جزائی پس از اینکه از ارتکاب جرم از ناحیه متهم مطمئن گردید صدور حکم مجازات مقرر را برای مدت معینی معلق میکند و فقط هنگامی حکم محکومیت او را صادر مینماید که مجرم در دوره تعلیق مرتکب جرم جدیدی گردد یا از انجام تعهداتی که بر عایت آنها ملزم گردیده شانه خالی کند. در این صورت مجرم به دادگاه احضار میگردد و قاضی حکم مجازات مقرر را درباره او صادر میکند لیکن

در سیستم های حقوقی که از حقوق فرانسه و بلژیک متأثر شده اند «اجرای مجازات» معانی میشود نه صدور حکم محکومیت.

ج- تعلیق مراقبتی مجازات در کنگره های بین المللی متعدد مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است از آن جمله.

اولین کنگره بین المللی دفاع اجتماعی در سال ۱۹۴۷ در سان رمو، دومین کنگره بین المللی دفاع اجتماعی در سال ۱۹۴۹ در لیژ، سومین کنگره بین المللی حقوق تطبیقی در سال ۱۹۵۰ که در لاهه تشکیل گردید.

از طرف دیگر مساعی سازمان ملل برای رهبری کوشش های بین المللی در زمینه اصلاح مجرمین و جلوگیری از وقوع جرم قابل ذکر است. از آن جمله:

۱- انتشار کتابی در خصوص تعلیق مراقبتی مجازات در سال ۱۹۵۱

۲- تصمیم اتخاذ شده در سال ۱۹۵۱ توسط شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان

ملل که طی آن از همه دولت ها درخواست شده است که رژیم تعلیق مراقبتی مجازات را وارد حقوق خود کنند و آنرا گسترش دهند و از آن بعنوان یک روش انسانی و موثر برای اصلاح مجرمین و احراز از مجازات های کوتاه مدت زندان نام برده شده است.

۳- انتشار کتابی بنام «نتایج عملی تعلیق مراقبتی مجازات درباره مجرمین بالغ در بعضی از کشورها» در سال ۱۹۵۴ که توسط پروفیسور ماکس گران هات استاد دانشگاه آکسفورد نوشته شده است.

۳- ورود رژیم تعلیق مراقبتی مجازات در حقوق فرانسه

در فرانسه به موجب قانون مصوب ۲۶ مارس ۱۸۹۱ معروف به قانون برانژه برای اولین بار تعلیق ساده مجازات وارد حقوق این کشور شد.

تعلیق ساده مجازات متضمن هیچگونه تعهد و الزامی برای محکوم نیست و در دوره تعلیق محکوم از هیچ کمکی بهره مند نمیشود و در نتیجه برای اصلاح او امید کمتری وجود دارد و در حقیقت تعلیق ساده مجازات فقط درباره محکومینی موفقیت آمیز خواهد بود که خود نیروی لازم و کافی برای خودداری از ارتکاب مجدد جرم داشته باشند و ارتکاب جرم از ناحیه محکوم قبلاً نشان داده است که او برای خودداری از ارتکاب جرم دارای نیروی کافی نیست و به همین جهت ضروری بنظر آمد که در ضمن تعلیق مجازات، محکوم بر عایت الزامات و تعهداتی ملزم گردد و همچنین از کمک هایی برخوردار شود.

اولین پیشنهاد مؤثر برای وضع قانون تعلیق مراقبتی مجازات در فرانسه در سال ۱۸۹۸ بعمل آمد ولی این پیشنهاد طرفدار زیادی پیدا نکرد و فقط از سال ۱۹۴۶ به بعد بود که این عقیده طرفدارانی پیدا نمود.

ما در ضمن مطالعه قانون تعلیق مجازات ایران تعلیق مراقبتی مجازات را در حقوق فرانسه نیز مورد بررسی قرار خواهیم داد.

پس از ذکر مقدمه‌ای در خصوص تعلیق مراقبتی مجازات در طی فصول آینده‌یادداشت‌های حاضر در قسمت اول شرایط لازم برای تعلیق مراقبتی مجازات را مورد مطالعه قرار خواهیم داد و در قسمت دوم چگونگی طی دوران تعلیق و اشخاصی که در این دوران بر حسب وظیفه خود دخالت می‌نمایند و نتیجه‌ی تعلیق مجازات را مطالعه و بررسی خواهیم نمود.

قسمت اول

شرایط لازم برای تعلیق مجازات

اجرای مجازات هر محکومیتی را نمیتوان معلق نمود. قانون در این خصوص شرایطی را پیش‌بینی نموده است که دادگاه هرگاه تعلیق مجازات محکوم را صلاح بداند باید آن شرایط را رعایت نماید.

در دوفصل آینده به مطالعه این موضوع خواهیم پرداخت

فصل اول

حدود اجرای رژیم تعلیق مراقبتی مجازات

دادگاه برای اینکه بتواند در ضمن حکم محکومیت تعلیق اجرای مجازات را مقرر دارد باید شرایطی را مورد توجه قرار دهد. مقداری از این شرایط مربوط به متهم است و تعدادی به حکمی که اجرای مجازات آن معلق میشود.

مبحث اول

شرایط مربوط به متهم

الف- بموجب بند الف ماده يك قانون تعلیق اجرای مجازات برای اینکه دادگاه بتواند اجرای حکم مجازات را معلق نماید محکوم علیه نباید سابقه محکومیت

در اکتبر سال ۱۹۵۰ رنه مایروزیرو دادگستری وقت فرانسه تصمیم گرفت که در چهارچوب مقررات موجود به آزمایش عملی تعلیق مراقبتی مجازات دست بزند و این آزمایش در حوزه‌های قضائی تولوز در سال ۱۹۵۱ لیل و استراسبورگ در سال ۱۹۵۲ انجام گرفت و آزمایش باین ترتیب بود که محکوم پس از اینکه کتاباً موافقت خود را اعلام مینمود به رعایت تعهدات و الزاماتی ملزم میگردد و تحت سرپرستی قرار داده میشود این آزمایش نشان داد که افکار عمومی و همچنین مقامات قضائی با تعلیق مراقبتی مجازات مخالفتی ندارند.

وزیر دادگستری در همان تاریخ یعنی اکتبر ۱۹۵۰ کمیته‌ای را مأمور نموده که

تعلیق مراقبتی مجازات را از نظر قانونی مورد مطالعه قرار دهد. نتیجه این مطالعات تقدیم لایحه‌ای در این خصوص به مجلس ملی فرانسه در ۱۱ ژوئیه ۱۹۵۲ بود تا در کنار تعلیق ساده مجازات تعلیق مراقبتی مجازات نیز از طرف قانونگذار پیش‌بینی شود.

این لایحه آنطور که باید از طرف کمیسیون قوانین مجلس ملی مورد استقبال قرار گرفت و از طرف دیگر با اتمام دوره قانونگذاری در پرتو اجماع ماند.

در تاریخ سوم مه ۱۹۵۶ برای بار دوم لایحه فوق از طرف دولت جدید با تغییراتی تقدیم گردید ولی این بار نیز مورد تصویب کمیسیون قوانین مجلس ملی فرانسه واقع نگردید.

بالاخره وزارت دادگستری بموجب اختیارات استثنائی حاصله از اصل ۹۲ قانون اساسی ۱۹۵۸ فرانسه موفق گردید تعلیق مراقبتی مجازات را در قانون جدید آئین دادرسی کیفری بموجب مواد ۷۳۸ تا ۷۴۷ و R۵۱ تا R۶۱ پیش‌بینی نماید.

در ایران قانون تعلیق اجرای مجازات که مشتمل بر هیجده ماده میباشد در تاریخ پانزدهم تیرماه هزار و سیصد و چهل و شش بتصویب مجلس شورای ملی و در تاریخ بیست و ششم تیرماه همان سال بتصویب مجلس سنا رسیده است. قانونگذار در وضع این قانون به قانون تعلیق مراقبتی مجازات فرانسه توجه داشته است باین جهت

مؤثر کیفری داشته باشد در صورتیکه دارای سابقه محکومیت کیفری بوده باید بهجهتی از جهات قانونی محکومیت و آثار آن زائل گردیده باشد، باین ترتیب برای محکومینی که دارای سابقه مؤثر کیفری باشند امکان تعلیق مجازات وجود ندارد.

نکته‌ای که قابل ذکر بنظر می‌رسد این است که ماده فوق‌الذکر مقرر می‌دارد که باید بهجهتی از جهات قانونی محکومیت و آثار آن زائل گردیده باشد در حالیکه محکومیت هیچگاه زائل نمی‌گردد و این آثار محکومیت است که زایل می‌گردد.

در حقوق فرانسه محکومی که دارای سابقه محکومیت تا شش ماه حبس باشد میتواند از تعلیق مراقبتی مجازات بهره‌مند شود ولی در مورد تعلیق ساده مجازات محکوم نباید سابقه کیفری داشته باشد علت این اختلاف این است که در تعلیق ساده مجازات محکوم بدون اینکه تحت مراقبت قرار گیرد رها میشود و اعمال و رفتار او مورد نظارت قرار نمی‌گیرد و کسیکه قبلاً بعلت ارتکاب جرم به مجازات حبس محکوم گردیده است نشان داده است که دارای نیروی کافی برای خود داری از ارتکاب جرم نیست و بنا بر این باید مجازاتش بطریق مراقبتی معلق گردد تا تحت مراقبت و کمک باشد.

باید دانست که در حقوق فرانسه دادگاه در صورت احراز شرایط بر حسب مورد اختیار دارد که حکم مجازات را بنحوساده یا مراقبتی معلق کند و برای این منظور باین موضوع توجه مینماید که آیا محکوم میتواند تنها و باتکای نیروی خود اصلاح شود یا به کمک و مراقبت احتیاج دارد.

ب- به موجب بند ۳ ماده ۷۳۸ قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه اگر محکومی در طی دوران تعلیق مراقبتی مجازات مرتکب جرم نشود نمیتوان مجدداً حکم مجازات او را بخاطر ارتکاب جرم اخیر معلق نمود. علت وضع این قاعده آشکار است زیرا محکومی که نتوانسته است از مزایای تعلیق مراقبتی مجازات استفاده و خود را اصلاح کند تعلیق مجازات او برای بار دوم بیهوده و بی نتیجه خواهد بود.

در قانون تعلیق اجرای مجازات ایران ماده‌ای در این خصوص وجود ندارد ولی با توجه بماده يك قانون مزبور معلوم میشود که چنانچه ارتکاب جرم جدید در طی دوران تعلیق باشد امکان معلق نمودن مجازات اخیر وجود ندارد ولی اگر محکوم دوره تعلیق را بدون ارتکاب جرم سپری کند و بعد مرتکب جرم جدید شود چون محکومیت سابق او بی اثر محسوب میشود برای ارتکاب جرم جدید چنانچه دادگاه صلاح بداند میتواند دوباره از تعلیق مجازات استفاده کند.

در حقوق فرانسه کسی که به شش ماه یا کمتر حبس محکوم شده و مجازاتش به طریق ساده معلق گردیده و یا اجرا شده است اگر مرتکب جرم جدید شود حکم مجازات جرم جدید او را میتواند بطریق مراقبتی معلق نمود. اگر جرم جدید در دوران تعلیق ساده مجازات ارتکاب شده باشد و دادگاه این بار حکم مجازات او را بطریق مراقبتی معلق نماید چنانچه محکوم در دوره تعلیق اخیر نیز مجدداً مرتکب جرم بشود یادوره تعلیق مجازات او را (بطریقی که بعد خواهیم دید) منقطع گردد در دو مجازات (واضحاً) باضافه مجازات جرم اخیر (در باره او اجرا خواهد شد و اگر دوره تعلیق را بدون ارتکاب جرم جدید سپری کند یا دوره تعلیق منقطع نگردد در دو محکومیت او بی اثر محسوب میشود.

ج- با توجه بماده يك قانون تعلیق اجرای مجازات که کلیه محکومیت‌های بجبیس تأدیبی یا غرامت را تحت شرایطی که ذکر نموده قابل تعلیق دانسته است به نظر میرسد که تعلیق مجازات درباره اطفال بزهکار نیز امکان دارد.

باید توجه داشت که با عنایت به بند ۴ ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار تعلیق مجازات فقط میتواند شامل اطفال پانزده تا هیجده ساله بشود و در مورد اطفال دوازده تا نوزده ساله چون حداکثر مجازات آنها اعزام بکانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یکسال میباشد اتخاذ تصمیم درباره اعزام آنها بکانون اصلاح و تربیت در حقیقت محکومیت آنها به زندان نیست لذا معلق نمودن این حکم ممکن بنظر نمیرسد و در نقاطی که قانون اصلاح و تربیت تشکیل نشده است نیز حکم مجازات اطفال بین دوازده تا

در ایران بموجب ماده يك قانون تعليق اجرای مجازات در کلیه محکومیتهاى بحسب تأديبی و یا غرامت (جزای نقدی) و یا بهر دو مجازات که ناشی از ارتکاب جنحه یا جانی باشد که مجازات آن قانوناً از حبس مجرد شدیدتر نباشد دادگاه میتواند حکم مجازات را معلق کند

نتایجی که از احکام فوق ناشی میشود عبارتند از:

« الف - در حقوق ایران عطف بماده فوق الذکر تعليق محکومیت به غرامت امکان دارد در صورتیکه در حقوق فرانسه تعليق مراقبتی محکومیت به جزای نقدی ممکن نیست علت آن اینطور بیان شده است که نباید آزادی شخصی را که فقط به پرداخت غرامت محکوم شده است محدود نمود و او را تحت مراقبت دوران تعليق قرار داد.

ب- بموجب ماده يك قانون تعليق اجرای مجازات دادگاه فقط در مسودی میتواند اجرای مجازات را معلق نماید که جرم ارتكابی جنحه یا جانی باشد که مجازات آن قانوناً از حبس مجرد بیشتر نباشد. بنابراین اگر مجازات جرمی بیش از حبس مجرد باشد دادگاه نمیتواند اجرای مجازات آنرا معلق نماید. علت این است که در باره جرائمی که مجازات آنها شدیدتر و وخامت آنها بیشتر است تعليق - مجازات ورها کردن مجرم اگر چه تحت مراقبت باشد با افکار عمومی مخالفت خواهد داشت. همچنین بموجب ماده ۶ قانون تعليق اجرای مجازات، اجرای احکام زیر قابل تعليق نیست:

- ۱- احکام حبس بیش از یکسال.
- ۲- مجازات متخلفین از قوانین دارویی و غذایی و آرایشی و بهداشتی .
- ۳- مجازات کسانی که بوار کردن و یا ساختن مواد مخدره اقدام و یا بنحوی از انحاء برای مرتکبین اعمال مذکور تسهیل وسائل مینمایند.
- ۴- مجازات کسانی که بجرم اختلاس یا ارتشاء یا جعل یا استفاده از سند مجهول محکوم میشوند.

پانزده ساله را نمیتوان معلق نمود زیرا مجازات آنها بموجب ماده ۳۵ قانون مجازات عمومی ده الی پنجاه ضربه شلاق میباشد و ماده يك قانون تعليق اجرای مجازات فقط محکومیت بحسب تأديبی و غرامت را قابل تعليق میداند.

نکته ای که ذکر آن لازم بنظر میرسد این است که در نقاطی که قانون اصلاح و تربیت تشکیل گردیده است بموجب ماده ۱۸ قانون تشکیل دادگاه اطفال هر گاه اطفال تا هجده ساله مرتکب جرمی شوند بر حسب مورد دادگاه در باره آنها تصمیم اتخاذ خواهد کرد و اقسام تصمیماتی که دادگاه میتواند اتخاذ نماید در آن ماده شمرده شده است. ملاحظه میشود که در ماده فوق قانونگذار بجای حکم محکومیت اتخاذ تصمیم ذکر نموده است در صورتیکه ماده يك قانون تعليق اجرای مجازات محکومیت به حبس تأديبی و غرامت را قابل تعليق میداند علیهذا چنانچه اتخاذ تصمیم مذکور در ماده ۱۸ قانون فوق الذکر را غیر از حکم محکومیت بدانیم اساساً تعليق مجازات اطفال ممکن نخواهد بود و همچنین در نقاطی که قانون اصلاح و تربیت تشکیل نگردیده است و مجازات اطفال بزهار پانزده تا هیجده ساله بموجب ماده ۳۶ قانون مجازات عمومی حبس در دارالتأديب است چنانچه حبس در دارالتأديب را غیر از حبس تأديبی بدانیم اشکال فوق وجود خواهد داشت.

در حقوق فرانسه تعليق مجازات اطفال کمتر از ۱۳ سال ممکن نیست زیرا در باره آنها هیچ حکم محکومیتی نمیتوان صادر نمود. و در خصوص اطفال سیزده تا هیجده ساله حکم محکومیت آنها را میتوان معلق نمود ولی این اطفال کمتر به طبی دوره تعلیماتی که زندان محسوب نمیشود محکوم میگرددند.

مبحث دوم

احکامی که مجازات آنها را میتوان معلق نمود

در حقوق فرانسه تعليق مراقبتی مجازات تنها در صورت محکومیت به حبس تأديبی برای جرائم عمومی امکان دارد.

بالا اشکال میباشد.

هم بموجب ماده ۸ قانون تعلیق اجرای مجازات تعلیق اجرای مجازات تعلیق اجرای مجازات تأثیری در حقوق مدعیان خصوصی از حیث ضروریان نخواهد داشت و حکم پرداخت خسارت در وجه مدعی خصوصی اجراء خواهد شد. بنابراین محکومیکه حکم مجازاتش معاق میشود چنانچه از حیث ضروریان ناشی از جرم بپردازد خسارت محکوم شده باشد محکومیت اخیراً و قابل تعلیق نخواهد بود.

در خصوص مجازاتهای تبعی و تکمیلی ماده ۷ قانون فوق الذکر مقرر میدارد که تعلیق اجرای مجازات شامل آنها نیز میباشد.

در حقوق فرانسه نیز تعلیق مجازات چه بطریق ساده و چه بصورت مراقبتی مانع اجرای حکم محکومیت پرداخت خسارت مدعی خصوصی نخواهد بود. در حقوق این کشور تعلیق مجازات اصلی مانع اجرای مجازاتهای تبعی و تکمیلی نیست لیکن در صورتی که دوران تعلیق بدون حادثه سپری شود بموجب ماده ۷۴۶ قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه مجازاتهای اخیر نیز بی اثر محسوب خواهند شد.

مبحث سوم

جرائمی که حکم مجازات آنها را میتوان معلق نمود

بموجب ماده يك قانون تعلیق اجرای مجازات برای معلق نمودن حکم محکومیت تفاوتی ندارد که جرم ارتكابی از نوع جنحه باشد یا جنایت ولی در صورتیکه جرم ارتكابی از نوع جنایت باشد نباید مجازات آن قانوناً از حبس مجرد شدیدتر باشد. بنابراین فی المثل حکم محکومیت بخاطر ارتكاب جرمی که قانوناً مجازات آن حبس جنائی باشد قابل تعلیق نیست.

علت اینکه قانونگذار مجازات پاره ای از جرائم را قابل تعلیق ندانسته ظاهر آن حساسیتی است که اجتماع درباره اینگونه جرائم دارد و وخامت و ضرر اجتماعی این نوع جرائم در نظر قانونگذار بحدی است که لازم دانسته مرتکب حتماً مجازات گردد و او را از تعلیق مجازات محروم نموده است.

در حقوق فرانسه استثنائات فوق الذکر پیش بینی نشده است.

ج- در حقوق ایران و همچنین در حقوق فرانسه مجازات خلاف قابل تعلیق نیست. ماده يك قانون تعلیق اجرای مجازات مقرر میدارد که کلیه محکومیتهای بحبس تأدیبی و یا غرامت که ناشی از ارتكاب جنحه یا جنایت باشد (تحت شرایط ذکر شده در ماده) قابل تعلیق میباشد بنابراین مجازات جرائم خلافی قابل تعلیق نیست.

د- در حقوق فرانسه تعلیق مراقبتی مجازات فقط درباره جرائم عمومی امکان دارد.

در نتیجه: اولاً- دادگاههای نظامی نمیتوانند حکم مجازات را معلق کنند.

ثانیاً- درباره جرائم سیاسی فقط تعلیق ساده مجازات امکان دارد و احکام محکومیت در خصوص جرائم سیاسی قابل تعلیق بطریق مراقبتی نیستند.

در حقوق ایران:

اولاً- در خصوص جرائم ارتكابی از طرف نظامیان چون در مواد ۲۸۸ و ۲۸۹ قانون دادرسی و کیفر ارتش مجازات حبس تأدیبی و غرامت پیش بینی نشده است و حال آنکه بموجب ماده يك قانون تعلیق اجرای مجازات فقط محکومیت بحبس تأدیبی و غرامت قابل تعلیق میباشد تعلیق مجازات ممکن بنظر نمیرسد. در مورد جرائم عمومی که رسیدگی بآن در صلاحیت دادگاه نظامی میباشد برای تعلیق مجازات آنها در صورت احراز شرایط پیش بینی شده در قانون تعلیق اجرای مجازات اشکالی وجود نخواهد داشت.

ثانیاً- درباره جرائم سیاسی چون هیچک از مواد قانون تعلیق اجرای مجازات جرائم سیاسی را استثناء ننموده است بنابراین تعلیق اجرای مجازات جرائم سیاسی

همانطور که قبلاً نیز متذکر گردید حکم محکومیت بخاطر ارتکاب جرائمی که از نوع خلاف محسوب میشوند امکان ندارد.

در حقوق فرانسه محکومیت برای ارتکاب جنحه و جنایت قابل تعلیق میباشد و در موارد جنائی بند ۳ ماده ۳۶۲ قانون آئین دادرسی کیفری چنین مقرر میدارد: «در صورتیکه دادگاه جنائی حکم به محکومیت بجنس تأدیبی صادر میکند میتواند آنرا بصورت ساده یا مراقبتی معلق نماید» بدیهی است که در اینصورت دادگاه جنائی کیفیات مخفیه را برای تعیین مجازات موجود دانسته و میزان مجازات را تا جنس تأدیبی تخفیف داده است.

مبحث چهارم

دادگاههایی که برای تعلیق مجازات صلاحیت دارند

الف- بموجب ماده ۲۰۸ آئین دادرسی کیفری دادگاه بخش (محکمه صلحیه) بکلیه خلاف و جنحههایی که مجازات آن بیش از دو ماه حبس و یا یکزار و دویست ریال جزای نقدی نباشد رسیدگی میکنند.

بنابراین دادگاه بخش در مقام رسیدگی به جنحههایی که مجازات آن بیش از دو ماه حبس و یا یکزار و دویست ریال جزای نقدی نباشد میتواند حکم اجرای مجازات را معلق نماید و بالعکس در خصوص جرائمی که از نوع خلاف میباشد دادگاه بخش نمیتواند حکم مجازات را معلق نماید.

ب- دادگاه جنحه و دادگاه جنائی (در صورت رسیدگی به جرائمی که مجازات آن قانوناً از حبس مجرد بیشتر نباشد) میتوانند حکم مجازات را معلق نمایند.

ج- در خصوص دادگاههای نظامی در قسمت مبحث (د) دوم یادداشتهای حاضر توضیح داده شد.

توضیح داده شد.

د- در خصوص صلاحیت دادگاه اطفال بزرگکار نیز قبلاً در بند ج مبحث اول توضیح داده شد.

هـ- در خصوص دیوان کیفر کارمندان دولت منعی برای تعلیق مجازاتهای صادره بنظر نمیرسد ولی باید دانسته که بموجب بند ۴ ماده ۶ قانون تعلیق اجرای مجازات، مجازات کسانی که بجرم اخلاس یا ارتشاء یا جعل و یا استفاده از سند مجعول محکوم میشوند قابل تعلیق نمیشود.

در حقوق فرانسه تعلیق مراقبتی مجازات فقط در صلاحیت دادگاههایی است که به جرائم عمومی (جنحه و جنایت) رسیدگی میکنند و در نتیجه.

اولاً- دادگاههای نظامی نمیتوانند اجرای حکم مجازات را معلق کنند.

ثانیاً- دادگاههای پلیس که به جرائم خلافی رسیدگی میکنند نیز نمیتوانند اجرای حکم مجازات را معلق نمایند.

ثالثاً- دادگاه امنیت کشور (۱) که به جرائم سیاسی رسیدگی میکند درباره جرائم مزبور حق تعلیق اجرای حکم مجازات را بطریق مراقبتی ندارد ولی این دادگاه در خصوص جرائم عمومی که توأم با جرائم سیاسی رسیدگی میکنند بنظر میرسد که تعلیق مراقبتی مجازات امکان داشته باشد.

فصل دوم

مسائلی که دادگاه در حکم تعلیق باید با آنها توجه نماید

هدف از تعلیق مجازات اصلاح و تربیت مجرم میباشد. برای اینکه تکالیف و وظائفی که بمعهد مجرم گذارده میشود مؤثر و نافع باشد قاضی باید قبلاً اطلاعاتی در خصوص

شخصیت مجرم داشته باشد تا برحسب مورد تکالیف و وظائف مناسب هر مجرم را - درباره او مقرر دارد. و همچنین دادگاه باید دوره تعلیق را در حدودی که قانون پیش بینی کرده معین نماید.

تفصیل این مسائل را طی شش مبحث مطالعه خواهیم کرد.

مبحث اول

آزمایش اجتماعی، طبی و روانی متهم

(در حقوق فرانسه)

قاضی جزائی برای اینکه بتواند تشخیص بدهد که آیا تعلیق مجازات درباره مجرم مفید واقع خواهد شد یا او خواهد توانست با اندازه لازم و کافی از این رژیم استفاده کند باید قبلاً اطلاعاتی در باره احوال مجرم داشته باشد. و هنگامیکه تصمیم به تعلیق مراقبتی مجازات مجرم میگیرد باید تکالیف او را طی دوره تعلیق معین نماید. شناسایی شخصیت مجرم و عللی که باعث ارتکاب جرم شده است بقاضی جزائی امکان میدهد که تکالیف و وظائف لازم و مناسب را درباره او مقرر دارد.

آزمایش شخصیت متهم در حقوق فرانسه شامل آزمایش علمی اواز نظر طبی، روانی و اجتماعی میباشد و نتایج حاصله از این آزمایش تشکیل « پرونده شخصیت » متهم را میدهد.

قبل از تغییرات سال ۱۹۵۸ عده ای با ورود آزمایش طبی و روانی و اجتماعی متهم در قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه مخالفت میورزیدند. بعقیده ایشان متهم ناهنگامیکه حکم محکومیت او صادر نگردد بهی گناه محسوب میشود و آزمایش شخصیت او باین اصل مخالفت خواهد داشت. از طرف دیگر مخالفین عقیده داشتند که آزمایش

شخصیت متهم در صدور حکم راجع به او بی تأثیر نخواهد بود.

در حقوق کشورهای انگلوساکسن این اشکال مورد پیدا نمیکند زیرا در حقوق این کشورها رسیدگی جزائی به دو مرحله تقسیم میشود: مرحله اول - هیئت منصفه راجع به مجرمیت متهم تصمیم میگیرند و در صورت تصمیم به مجرمیت متهم در مرحله دوم است که مسئله شخصیت مجرم مورد توجه واقع میشود. برای آزمایش اجتماعی متهم بموجب بندهای ۵ و ۶ ماده ۸۱ قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه بدستور باز پرس مامورین پلیس قضائی یا مأمورین منتخب از طرف وزارت دادگستری در خصوص شخصیت وزندگی مادی و خانوادگی متهم تحقیق میکنند.

این تحقیقات در خصوص جرائمی که از درجه جنحه هستند اختیاری است و همچنین در هر موردی که قاضی تعلیق مراقبتی مجازات را ممکن بداند میتواند تحقیقات فوق را بخواهد.

در آزمایش جسمی و روانی متهم که در بند ۷ ماده ۸۱ قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه پیش بینی شده توسط پزشک وابسته به دادگاه استان انجام میگردد. این متخصصین برای اینکه بهتر بتوانند شخصیت متهم را بشناسند در مطالعات و معاینات خود به آزمایش اجتماعی که قبلاً انجام گرفته نیز توجه خواهند نمود.

لازم بتذکر است که با وجود اهمیت زیادی که آزمایش شخصیت متهم دارد متأسفانه در فرانسه در عمل بندرت از آن استفاده میشود.

مبحث دوم

تدابیر عمومی و اجباری برای مراقبت محکوم و کمک باو

(در حقوق فرانسه)

بموجب ماده ۷۳۹ قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه رژیم تعلیق مراقبتی

مجازات مستلزم تدابیر والزاماتی در خصوص مراقبت محکوم و کمک به او میباشد. این تدابیر خودبخود در باره هر محکومی که تحت رژیم تعلیق مراقبتی مجازات قرار داده میشود اجرا میگردد و دادگاه نمیتواند تغییری در آنها بدهد. این تدابیر در موارد R. ۵۶ و R. ۵۷ پیش بینی شده اند که یکی مربوط به مراقبت محکوم است و دیگری کمک به او.

الف- تدابیر مراقبتی - بموجب ماده R ۵۶ قانون آئین دادرسی کشور فرانسه تدابیری مراقبتی عبارتند از:

۱- حضور نزد قاضی اجرای مجازات و مامور شورای تعلین مجازات در صورت احضار.

۲- پذیرفتن مامور شورای تعلیق مجازات و دادن اطلاعات لازم با و در خصوص وسائل تأمین معاش خود

۳- داشتن دلائل قابل قبول برای تغییرات احتمالی شغل یا محل سکونت

۴- مطلع نمودن مامور شورای تعلیق مجازات از تغییر محل سکونت و غیبت بیش از هشت روز و مطلع نمودن مامور مذکور از مراجعت خود.

۵- تحصیل اجازه قبلی از قاضی اجرای مجازات برای کلیه مسافرتها یا بخرجه بطوریکه ملاحظه میشود این تدابیر برای مراقبت از شرایط زندگی و معاش محکوم پیش بینی گردیده است و همانطور که ذکر شد در باره کلیه محکومینی که از تعلیق مراقبتی مجازات استفاده میکنند لازم الاجراست.

ب- اقدامات کمکی.

بموجب ماده R. ۵۷ قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه هدف از اقدامات کمکی یاری محکوم است برای اینکه از نظر اجتماعی اصلاح بشود و مشکلات شغلی و خانوادگی او از میان برده شود. کمکی که باین ترتیب محکوم از آن بهره مند میشود بصورت کمک معنوی و فکری و بامادی میباشد که توسط مامور شورای تعلیق مجازات و شورای تعلیق مجازات و بتوسط آنها بوسیله کلیه موسسات تعاون اجتماعی بعمل میآید. ملاحظه میشود که ماده فوق برخلاف ماده قبل کاملاً صحیح نیست. علت آن ظاهر آنست مواردی که ممکن است محکوم بکمک احتیاج داشته باشد محدود نیست و طبیعتاً شمردن کلیه این موارد در ماده ممکن نبوده است.

با پیش بینی اقدامات کمکی فوق گفته شده است که در حقیقت این حق محکوم است که از کمکهای لازم برخوردار شود و این کمکها بطور مستقیم توسط شورای تعلیق مجازات و بطریق غیر مستقیم توسط شورای تعلیق مجازات و قاضی اجرای مجازات بعمل میآید.

مبحث سوم

الزامات و تکالیف فردی که باقتضای مورد از طرف دادگاه، برای محکوم پیش بینی میشود

۱- در حقوق فرانسه:

ماده ۷۳۹ قانون آئین دادرسی کیفری به قاضی اجازه میدهد که بر حسب مورد محکوم را ملزم نماید يك یا چند دستور و تکلیف بخصوص را رعایت نماید. الزاماتی که قاضی دستور رعایت آنها را به محکوم میدهد بیا توجه بوضعیت خانوادگی و تمایلات و استعدادها و رفتار و دیگر خصوصیات روانی محکوم تعیین میشود.

تکالیف و الزامات فوق در مواد R. ۵۸ و R. ۵۹ پیش بینی شده است:

الف- تکالیف مثبت (ماده R. ۵۸) عبارتند از:

۱- اشتغال بکار و یا تحصیل در حرفه معین.

۲- ساکن شدن در محل معین

۳- تحت مراقبت و معالجه قرار گرفتن حتی در بیمارستان بخصوص بمنظور

ترك اعتیاد.

۴- شرکت در پرداخت مخارج خانواده و یا پرداخت مستمر آن.

۵- جبران خسارات وارده بر اثر ارتکاب جرم.

بطوریکه ملاحظه میشود تکالیف اول و دوم و سوم از مذکورات فوق مستقیماً برای سعی در اصلاح و تربیت محکوم است ولی دو تکلیف اخیر بیشتر برای حفظ حقوق اشخاص ثالث میباشد.

ب- تکالیف منفی (ماده R. ۵۹) عبارتند از:

۱- خودداری از رانندگی بعضی از وسایل نقلیه

۲- خودداری از دخول به بعضی از محلهای از قبیل میخانه، میدان مسابقات،

تعلیق از محکوم علیه بخواهد و محکوم علیه مکلف با اجرای دستور دادگاه میباشد. بطوریکه ملاحظه میشود در قانون تعلیق اجرای مجازات ایران برخلاف حقوق فرانسه دستورات کلی و عمومی که درباره کلیه محکومین که از تعلیق مجازات استفاده میکنند لازم الاجرا باشد پیش بینی نشده است و دادگاه بر حسب مورد مختار است دستور یا دستوراتی را که در ماده ۵ پیش بینی شده در باره محکوم مقرر دارد.

این دستورات عبارتند از:

- ۱- مراجعه به بیمارستان یا درمانگاه برای درمان بیماری یا اعتیاد خود
- ۲- خودداری از اشتغال بکار یا حرفه معین.
- ۳- اشتغال بتحصیل در موسسه فرهنگی
- ۴- خودداری از قمار و صرف مشروبات الکلی یا معاشرت با اشخاصی که دادگاه معاشرت با آنها را برای محکوم علیه مضر تشخیص دهد.
- ۵- خودداری از رفت و آمد بمحل های معین.
- ۶- معرفی خود در مدت های معین بشخص یا مقامی که دادستان شهرستان تعیین

خواهد کرد.

دستورات فوق که در ماده ۵ قانون تعلیق اجرای مجازات پیش بینی شده اند با مقایسه با دستورات پیش بینی شده در حقوق فرانسه کلی تر و در ضمن معدود تر میباشد و اگر بخواهیم این دستورات را نیز مانند حقوق فرانسه به مثبت و منفی تقسیم کنیم باید دستورات مقرر در بندهای يك و سه و شش را دستورات مثبت و دستورات مقرر در بندهای دو و چهار و پنج را منفی بنامیم.

مبحث چهارم

مدت تعلیق مجازات

دادگاه علاوه بر مقرر داشتن دستورات و تکالیف درباره محکوم باید مدت تعلیق مجازات را نیز معین نماید.

- کازینو، قمارخانه، محل رقص و غیره.
- ۳- خودداری از شرط بندی بخصوص در تشکیلات شرط بندی عمومی
 - ۴- خودداری از افراط در شرب مشروب الکلی.
 - ۵- خودداری از معاشرت با بعضی از محکومین بخصوص باشرکاء و معاونین جرم
 - ۶- خودداری از پذیرفتن بعضی از اشخاص یا جادادن آنها در منزل خود
- ملاحظه میشود که قانونگذار تکالیف فوق را از این جهت پیش بینی کرده که مجبور به تکرار جرم محکوم گرفته شود و باین ترتیب به قاضی اجازه داده است که مثلاً قمار باز را از ورود به کازینو و قمارخانه و شخص الکلی را « باضافه معالجات پیش بینی شده در بند ۳ ماده ۵۸. R » از ورود به میخانه و زیاده روی در استعمال مشروبات الکلی ممنوع نماید. مطابق آراء دیوان کشور فرانسه تکالیفی که دادگاه می تواند برعهده محکومی که تحت رژیم بتعلیق مراقبتی مجازات قرار داده میشود بگذارند منحصر است بمواردی که در مواد ۵۸. R و ۵۹. R پیش بینی شده است. و دادگاه حق ندارد محکوم را به انجام تکلیفی غیر از آنها ملزم نماید. قبل از صدور این آراء بعضی از دادگاهها تکالیفی غیر از آنچه در موارد فوق الذکر پیش بینی شده بود برای محکوم معین میکردند از قبیل عضو شدن در يك باشگاه ورزشی.
- بعضی از محاکم گاهی کلیه تکالیف پیش بینی شده در موارد فوق برای محکوم مقرر میدارند تا دست قاضی اجرای مجازات برای کنترل کامل محکوم باز باشد.
- این رویه مورد انتقاد شدید واقع شده و عموماً عقیده بر این است که محاکم باید فقط تکالیفی را که با توجه به احوال محکوم لازم میدانند برای او مقرر دارند و نیابراین اختیار خود را برای انتخاب تکالیف به این ترتیب به قاضی اجرای مجازات محول کنند.
- ۲- در حقوق ایران.
- بموجب ماده ۵ قانون تعلیق اجرای مجازات دادگاه با توجه به اوضاع و احوال محکوم علیه و محتویات پرونده میتواند اجرای دستور یا دستورهای را در مدت

از نقطه نظر اصلاح محکوم شاید بهتر باشد که مدت تعلیق نامحدود باشد باین ترتیب که هر زمان که محکوم اصلاح گردد بدوره تعلیق تمام شود تا مدتی که محکوم اصلاح نگردیده است ادامه یابد. لکن افکار عمومی آماده برای پذیرفتن چنین تریبی نیست و در کلیه کشورها گاهی حداکثر و گاهی حداقل و اکثر مدت تعلیق از طرف قانونگذار پیش بینی شده است. و معمولاً حداقل آن يك سال است و حداکثر آن هیچگاه از پنج سال تجاوز نمی کند. در کشورهای آنگلو ساکسون رویه محاکم این است که مدت دوره تعلیق را بین يك تا دو سال معین کنند. پیش بینی حداقل مدت تعلیق از طرف قانونگذار باین جهت لازم است که دوره خیلی کوتاه برای اصلاح محکوم و ارزیابی نتایج حاصله از تعلیق کافی نیست و پیش بینی حداکثر برای مدت دوره تعلیق بخاطر این است که محکوم بی جهت بلامتکلیف نباشد و از طرف دیگر اگر الزامات و تکالیف او بیش از اندازه لازم ادامه یابد بجای اینکه برای اصلاح او مفید باشد باعث خواهد شد که در او حالت عصبان بوجود آید و از تعلیق نتیجه معکوس حاصل شود.

در حقوق فرانسه بموجب ماده ۷۳۸ قانون آئین دادرسی کیفری مدت تعلیق نمیتواند از سه سال کمتر و از پنج سال بیشتر باشد و دادگاه در هر مورد باید در ضمن رای محکومیت خود مدت آنرا با توجه باین حداقل و حداکثر معین نماید و در غیر اینصورت رای دادگاه در دیوان کشور شکسته خواهد شد. مثلاً دیوان کشور فرانسه در نوامبر ۱۹۶۶ حکم تعلیق را که در آن مدت تعلیق دقیقاً معین نشده بود شکسته است.

در حقوق ایران بموجب ماده يك قانون تعلیق اجرای مجازات مدت تعلیق بین دو تا پنج سال میباشد و دادگاه باید برحسب مورد مدت تعلیق را بین این حداقل و حداکثر معین نماید. ضمناً ماده ۱۳ قانون فوق الذکر مقرر میدارد که اگر مجرمی که اجرای مجازات او معلق شده در مدت تعلیق بدون عذر موجه از دستور پادستورهای دادگاه تبعیت ننماید برحسب درخواست دادستان و پس از ثبوت امر در دادگاه برای بار اول بمدت تعلیق مجازات او يك تا دو سال افزوده میشود.

در حقوق فرانسه دوره تعلیق از تاریخ قطعیت حکم شروع میشود. در حقوق ایران مستفاد از مواد ۱۰ و ۹ قانون تعلیق اجرای مجازات آغاز دوره تعلیق از تاریخ صدور حکم تعلیق خواهد بود. این ترتیب قابل دفاع بنظر نمیرسد چه آنکه نمیتوان محکومی را که حکم تعلیق مجازات او هنوز قطعی نشده است بانجام دستورات و تکالیف مقرر مجبور نمود و در فاصله بین صدور حکم و قطعیت آن که در ضمن دوره تعلیق جریان دارد محکوم بلامتکلیف است و چنانچه حکم تعلیق او قطعی گردد مدتی از دوره تعلیق بیهوده سپری شده است.

مبحث پنجم

اخطار به محکوم

محکوم باید ضمن اطلاع از تعلیق حکم مجازات خود از تکالیف و وظایفی که در دوره تعلیق بعیده اوست آگاه شود و همچنین باید نتیجه عدم تبعیت از دستورات دادگاه با اطلاع او برسد.

در حقوق فرانسه بموجب ماده ۷۴۷ قانون آئین دادرسی کیفری قاضی دادگاه باید پس از صدور حکم محکومیت آثار عدم تبعیت از دستورات دادگاه را به محکوم اعلام نماید و همچنین با اطلاع او برساند که چنانچه دوره تعلیق را با رفتار خوب و رعایت دستورات دادگاه طی کند از اجرای مجازات برای همیشه معاف خواهد شد. وظیفه قاضی اجرای مجازات در این خصوص این است که محکوم را احضار نماید و مفهوم و مقصود از تعلیق مراقبتی مجازات را برای او تشریح نماید. تکالیف و وظایف کلی و همچنین دستوراتی که دادگاه بخصوص در باره او مقرر داشته است کتباً با اطلاع او برساند اعلام این مسائل معمولاً در فرمهای چاپی مخصوص بعمل میآید در حقوق ایران ماده ۱۴ قانون تعلیق اجرای مجازات چنین مقرر داشته است: « دادگاه هنگام صدور حکم تعلیق آثار عدم تبعیت از دستورهای دادگاه را صریحاً

به محکوم علیه اعلام و باو تفهیم خواهد نمود که اگر در مدت تعلیق مرتکب جنایت یا چنانچه ای یا محکومیت موثر شود علاوه بر مجازات جرم اخیر مجازات معلق نیز در باره او اجرا خواهد شد .

مبحث ششم

تأثیر رضایت محکوم در تعلیق مجازات

دادگاه در تصمیم خود دائر به تعلیق اجرای مجازات احتیاجی ندارد که از محکوم سؤال نماید که آیا ترجیح میدهد مجازاتش اجرا گردد یا معلق شود .
در فرانسه عده زیادی طرفدار این عقیده بودند که در تعلیق مجازات باید رضایت یا عدم رضایت محکوم در نظر گرفته شود طریحی نیز در این خصوص در سال ۱۹۵۸ تقدیم مجلس ملی فرانسه گردید که مورد تصویب واقع نشد. مخالفین این عقیده اظهار میدارند که نباید رضایت محکوم را در اجرای تعلیق مجازاتش دخالت داد زیرا چه بسا که محکوم از مفهوم و اهمیت واقعی این رژیم اطلاع نداشته باشد و نداند که تعلیق مجازات بنفع او و عطف از آن اصلاح و بهبود او است. در هر حال مسلم است که رضایت محکوم رکن اصلی برای پایان رسانیدن دوره تعلیق و معافیت قطعی از اجرای مجازات است. و بدیهی است که اگر محکومی ترجیح بدهد که مجازاتش اجرا شود و نخواهد که از تعلیق مجازات استفاده کند کافی است که از اجرای دستورات مقرر سرپیچی کند و یا مرتکب جرم جدیدی گردد .

نوشته: دکتر عبدالعلی صابری صفائی

شرحی بر بعضی از مواد قانون حمایت خانواده جدید مصوب بیست و سوم

بهمن ماه ۱۳۵۳

ماده ۱- « به کلیه اختلافات مدنی ناشی از امر زناشویی و دعاوی خانوادگی و امور مربوط به صغار از قبیل نصب و عزل قیم و ضم امین در دادگاههای شهرستان و در نقاطی که دادگاه شهرستان نباشد در دادگاه بخش رسیدگی میشود. رسیدگی به امور مذکور در تمام مراحل دادرسی بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی خواهد بود »

ماده ۲- « منظور از دعاوی خانوادگی دعاوی بین هریک از زن و شوهر و فرزندان و جد پدری و وصی و قیم است که از حقوق و تکالیف مقرر در کتاب هفتم در نکاح و طلاق (منجمله دعاوی مربوط به جهیزیه و مهر زن) و کتاب هشتم در اولاد و کتاب نهم در خانواده و کتاب دهم در حجر و قیمومت قانون مدنی و همچنین از مواد ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۲۹ و ۱۰۳۰ قانون مذکور و مواد مربوط در قانون امور حسبی ناشی شده باشد .

در مواد ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۸۴ و ۱۸۵ و ۱۸۶ و ۱۸۷ از ابواب دوم و سوم